

# چو تخته پاره بر موج

به یاد سیمین بهبهانی به بهانه  
زادروزش

## اسماعیل ساغری [ساز

آخر تیر ماه برای من همواره یادآور تولد سیمین بهبهانی است. شاعری که از یکسو به سبب غزل‌های نوآورانه‌اش خصوصا به خاطر نوآوری‌هایی که در اوزان عروضی داشت و از سوی دیگر به خاطر زیست شریف و عزیزش، نامی ماندگار است که در تاریخ معاصر فرهنگ و هنر این سرزمین می‌درخشد. چنانکه می‌دانیم، سیمین بهبهانی در خانواده‌ای اهل مطالعه و صاحب ذوق به دنیا آمد و رشد کرد و این، بیشک از خوشاقبالیهایی او بود. بزرگ شده بود. خودش در جاهایی روایت‌هایی از زندگی خود در دوران طفولیت و نوجوانی و... ارایه داده که در نوع خود جالب است. خصوصا وقتی که می‌دانیم چنان تجربه‌های زیست‌شده‌ای بعدها چگونه در شاعری این شاعر بلندآوازه موثر افتاد و کجاها ردش را برجای گذاشت. از ازدواج مجدد مادرش و اینکه در روز خواستگاری از مادر خود حضور داشت و بعد، عهده‌دار غمخواری و تیمارداری و به یک معنا بزرگ کردن خواهر کوچکی شد که مادرش از شوهر دوم خود به دنیا آورده بود. مادری اهل قلم، روزنامه‌نگار و شاعر. از دیدار در نوجوانی با پروین اعتصامی تا شعرخوانی برای او و... سیمین بهبهانی پنج کتاب شعر در سال‌های قبل از انقلاب منتشر کرد که جز آخری، مابقی چندان اهمیتی در کارنامه او ندارند و بیشتر آثاری رمانتیک و گاهی ایده‌های اجتماعی ساده و تک بعدی و فاقد عمق و لایه‌های ادبی لازمند. گرچه سخن آهنگین او وقتی با بیان مستقیم آلام اجتماعی روزگار می‌آمیخت، پسند عوام را در همان مجموعه‌ها هم برمی‌آورد. اهمیت بهبهانی در مقام شاعر اما با مجموعه پنجمش، حکایت «رستاخیز» آغاز می‌شود. کتابی که آشکارا حکایت از شهر شاعر نئوکلاسیک آوانگاردی داشت که اگرچه موزون و مقفا می‌سرود اما غزلش با بقیه انگار فرق داشت. سیمین بعد از انقلاب مجموعه «خطی ز سرعت و آتش» را درآورد؛ مقدمه‌ای همراه کتاب بود حاوی توضیحاتی که از بدعت‌گذاری‌هایی در آینده شعری شاعر خبر می‌داد. این اولین کتاب

بهبهانی بعد از انقلاب، آشکارا تاثیرات دوره جدید تاریخ معاصر ایران را در شعرهایش نشان می‌داد. تحولات وزنی در آن کتاب و نیز در ادامه شاعری بهبهانی دلیل ماهیتی دارد و اساساً برآمده از نیازی درونی و جوشیده از درون‌مایه شعر است و نه صرفاً اقدامی در راستای تزئین شعر. به عبارتی، سیمین بهبهانی دست به ابداع وزن‌های تازه‌ای می‌زند تا در عین شاعری وفادار به اصل شعر کلاسیک و سرودن در قالب موزون و مقفایی موسوم به اسم قدمای غزل، بتواند امکانات بیانی تازه‌ای بیافریند و در آن امکان‌های تازه طبع‌آزمایی کند. ابتکاری که در نوع خود کاری‌آست و اگرچه شاعر هرگز از صرافت طبع‌آزمایی در قالب کلاسیک نمی‌افتد و همچنان غزل می‌نویسد اما در عین حال به چارچوب‌هایی از پیش‌تعیین شده عروض و وزن‌های بارها آزموده‌اش بسنده نمی‌کند و خود وزن ابداع می‌کند. ... و خلاصه اینکه باید از وجه مردمی او هم بوییم و اینکه در تمام طول زندگی ادبی و هنری خود همواره با مردم بود و با مردم زیست و با فکر به آنها و دردها و شادی‌هایشان نوشت. دغدغه‌ای که او را عمری آزاد از هر قید و بند و بری از هر گونه وابستگی به هر قدرتی در دل‌های همین مردم جاودان کرد. «رها» چنانکه خود تعبیر می‌کند: «چو تخته‌پاره بر موج».

م: ۳۳ : ۳۰ ۱۴۰۱ ۳۰ ۳۰ ۳۰ ۳۰ ۳۰